

## هشدار قرآن به جنگ‌افروزان هسته‌ای

وَ إِذَا وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ أَخْرَجْنَا لَهُمْ دَابَّةً مِّنَ الْأَرْضِ تُكَلِّمُهُمْ أَنَّ النَّاسَ كَانُوا بِآيَاتِنَا لَا يُوقِنُونَ. (نمل) زمانی که محکومیت کفار قطعی می‌شود ما بنده خدائی را وادار می‌کنیم تا آنها را از این محکومیت آگاه کند، لیکن مردم به آیات و اخبار غیبی ما ایمان نمی‌آورند.

گاه گاهی در تقدیر خدا وضعیت کفار و ستم‌کاران به جایی می‌رسد که حق ادامه حیات از آنها سلب می‌شود، بر خدا واجب می‌شود به زندگی آنها خاتمه دهد. زیرا خدا تا زمانی به کفار و منافقین مهلت می‌دهد که آنها جاهلانه به کفر و گناه و ظلم و تجاوز مشغول می‌شوند اما بعد از آزمایش و تجربه که دیدند جنگ و تجاوز به جز فلاکت و هلاکت سودی ندارد و خواستند به جنگ و تجاوز ادامه دهند خدا به زندگی آنها خاتمه می‌دهد و بعد وضعیت تازه و بی‌سابقه‌ای به وجود می‌آورد که تکرار حوادث گذشته نباشد مانند خاتمه دادن به زندگی بنی‌امیه و روی کار آمدن بنی‌عباس و خاتمه دادن به زندگی بنی‌عباس و روی کار آمدن دیگران و همین طور تا انتهای تاریخ.

خداوند در قرآن سوره بنی اسرائیل آیات ۴ تا ۸ خبر می‌دهد<sup>۱</sup> که کفار را در مسیر هدف مشترک تا دو مرتبه نهضت و شکست مهلت می‌دهد. برای مرتبه

<sup>۱</sup> - وَ قَضَيْنَا إِلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ فِي الْكِتَابِ لَتُفْسِدُنَّ فِي الْأَرْضِ مَرَّتَيْنِ وَ تَلْعَلْنَ عَلْوًا كَبِيرًا ۙ (۴) فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ أُولَاهُمَا بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَنَا أُولَىٰ بَأْسٍ شَدِيدٍ فَجَاسُوا خِلَالَ الدِّيَارِ وَ كَانُوا وَعْدًا مَّفْعُولًا ۙ (۵) ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمُ الْكُرَّةَ عَلَيْهِمْ وَ آمَدَدْنَاكُمْ بِأَمْوَالٍ وَ بَنِينَ وَ جَعَلْنَاكُمْ أَكْثَرَ نَفِيرًا ۙ (۶) إِنْ أَحْسَنْتُمْ أَحْسَنْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ وَ إِنْ أَسَأْتُمْ فَلَهَا فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ الْآخِرَةِ لِيَسُوءُوا وُجُوهَكُمْ وَ لِيَدْخُلُوا الْمَسْجِدَ كَمَا دَخَلُوهُ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَ لِيَلْبَسُوا مَا عَلُوا تَتَبِيرًا ۙ (۷) عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَنْ يَرْحَمَكُمْ ۙ وَ إِنْ عُدْتُمْ عَدْنَا وَ جَعَلْنَا جَهَنَّمَ لِلْكَافِرِينَ حَصِيرًا ۙ (۸)

ما زندگی بنی‌اسرائیل را براساس طبیعت آنها) چنین مقدر کردیم که تا دو مرتبه در زمین فساد بپا می‌کنند و برتری خواهی خود را به اوج می‌رسانند. (۴) وقتی که انتقام نوبت اول رسید قومی خشن را بر شما مسلط خواهیم نمود، آنها بر شهر و دیار شما مسلط می‌شوند، دین و مسجد شما را به بازی می‌گیرند، این

سوم بعد از دو مرتبه شکست، اگر توبه کردند لااقل به میزانی که دست از تجاوز و ظلم بردارند و به کار مثبت و مفید ادامه دهند. خدا آنها را مهلت و فرصت می‌دهد تا به زندگی ادامه دهند اما در مهلت سوم اگر باز هم دست به کار شدند و روش قبلی خودشان را تکرار کردند، دیگر مهلت از آنها برداشته می‌شود و محکوم به فنا و نابودی خواهند بود.

از زمانی که در جوامع کفر و تجاوز، نهضت علمی و صنعتی به وجود آمده و خداوند درهای علم و موفقیت را به روی آنها باز نموده، به جای این که شکر الهی را به جا آورند و این موفقیت را در راه خدمت به بشریت و پیشرفت زندگی آنها قرار دهند، بر عکس در راه خیانت و استثمار ضعفا فعالیت نموده و هر چه بیشتر ظلم و تجاوز را گسترش داده‌اند تا بالاخره این ظلم و تجاوز و استثمار ضعفا منجر به دو جنگ جهانی اول و دوم شد، خداوند در جنگ جهانی اول به مجازات ظلم و تجاوز و استثمار ضعفا، کفار را سرکوب نمود، شهرها و کارخانه‌های آنها را به دست خودشان ویران کرد و آن همه خرابی و ویرانگری و قتل و کشتار به دست خودشان برای خودشان فراهم شد. خداوند به دست خودشان آنها را سرکوب نمود و بعد از جنگ جهانی اول به آنها مهلت و فرصت داد تا قیام کنند شاید تمدن خود را بدون توحش ادامه دهند ولی در مهلت دوم بعد از سرکوبی در جنگ جهانی اول که نتیجه ظلم و استثمار ضعفا بود باز روش قبلی خود را ادامه دادند، به همان راهی رفتند که نتیجه‌اش جنگ افروزی و ظلم و

وعدۀ خدا شدنی خواهد بود (۵) اما باز شما را نجات داده به قدرت می‌رسانیم، با مال و اولاد کمک می‌کنیم و نفرت شما را زیاد می‌کنیم (۶) در این موفقیت اگر راه و روش احسان پیش گرفتید، به خود احسان می‌کنید و اگر بد کردید به خود بد می‌کنید، در این وعدۀ دوم چهره اجتماعی شما بد می‌شود و دشمن بر شما مسلط شده مانند اول، مسجد و محراب شما را به بازی می‌گیرند و شما را به انتهای هلاکت می‌رسانند (۷) باز هم در مرتبه سوم شاید لطف و رحمت الهی شما را فرا گیرد و به قدرت و ثروت برساند و در این مرتبه هم اگر به کفر و گناه برگشتید ما هم به انتقام برمی‌گردیم و در محاصره جهنم واقع خواهید شد (۸)

استثمار بود. خداوند به آنها میدان داد. علم و صنعت و به قول خودشان تمدن را بیشتر و بیشتر پیش بردند، تجهیزات علمی و صنعتی و صنایع جنگی خود را پیشرفت دادند تا در صنایع جنگی خود موفق به کشف بمب‌های هسته‌ای و اسلحه‌های کشتار جمعی شدند، خیلی بدتر از گذشته‌ها به ظلم و استثمار ضعفا ادامه دادند، روشهای جنگ افروزی را ادامه دادند، برای خدمت به صلح و عدالت جهانی نیش و پنجه گرگ و پلنگ را تیزتر و برنده‌تر ساختند. وای به حال صلح و عدالتی که از طریق قتل و کشتار و ظلم و استثمار پیدا شود.

مرتب‌ه دوم خیلی بدتر از گذشته، بشریت را به بردگی و اسارت کشیدند، شرق و غرب دنیا را به ذلت و فلاکت کشیدند تا این که باز بر خداوند متعال واجب شد آنها را سرکوب کند و ضعفای شرق و غرب را از ذلت بردگی و اسارت آنها برهاند. هیتلر که در تمدن صنعتی، خود را پیشرفته‌تر می‌دانست، خود را نژاد برتر و یا خدای عالم شناخت، تجاوز خود را شروع کرد و جنگ دوم جهانی را راه‌انداخت. تقدیر خداوند متعال بر این قرار گرفت که این تمدنِ توأم با ظلم و استثمار و توحش را سرکوب کند، جنگ جهانی دوم شروع شد و باز تمامی آن آبادی‌ها و صنایع، تبدیل به ویرانی شد. آلمان نازی که خود را خدای عالم به حساب می‌آورد به تمام معنی سرکوب شد و آن همه قتل و کشتار به راه افتاد که گفته‌اند قریب به هشتاد میلیون نفر کشته و آواره بجا گذاشت از جمله دویست و هفتاد هزار کشته ژاپنی هیروشیما و ناکازاکی، اسلحه خطرناک اتمی خود را که برای صلح و عدالت ساخته بودند در این جنگ آزمایش کردند، برای ایجاد عدالت آن همه پیر و ضعیف و زن و کودک را کشتند، تمدنشان در انتهای توحش قرار گرفت. عجب این که تمامی ملتها از این جنگ جهانی دوم و بخصوص جنگ اتمی به وحشت افتادند. علیه جنگ قیام کردند و برای جلوگیری از جنگ و تجاوز یک سازمان بین‌المللی بوجود آوردند که سران همه ملتها یک

جا جمع شوند برای صلح و عدالت فعالیت کنند. ولیکن ابرقدرتها در این سازمان حاضر نشدند دست از نیش و پنجه خطرناک خود بردارند. گفتند آن سازمانی را قبول داریم که در اطاعت ما باشد. خداوند متعال هم بعد از این سرکوبی در جنگ دوم به آنها مهلت و فرصت داد، امکانات در اختیار آنها گذاشت (زیرا چنان که گفته شد خداوند در سوره بنی اسرائیل تقدیر خود را روشن فرمود که به کفار تا سه مرتبه جنگ و جسارت مهلت می‌دهد و در مرتبه سوم اگر روش گذشته ظلم و استثمار را دنبال کردند در این مرتبه آنها را می‌کوبد و به جهنم می‌کشانند) که در این رابطه بعد از سرکوبی دوم، آیه ۸ بنی‌اسرائیل می‌فرماید: عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَنْ يَرْحَمَكُمُ ۖ وَإِنْ عُذْتُمْ عُدْنَا ۚ وَجَعَلْنَا جَهَنَّمَ لِلْكَافِرِينَ حَصِيرًا. یعنی در مرتبه دوم که سرکوب شدید، باز شاید خداوند به شما رحم کند، به شما مهلت و فرصت بدهد، شاید راه و روش عادلانه و مصلحانه الهی را دنبال کنید، اما اگر در مهلت سوم باز راه و روش ظلم و استثمار را دنبال کردید، در این مرتبه به جهنم کشیده خواهید شد و مهلت دنیایی پیدا نخواهید کرد. بر اساس همین تقدیر، کفار زمان ما دو مرتبه دنیا را به فساد و جنگ کشیده‌اند، خدا آنها را سرکوب نموده و این مرتبه سوم است که خداوند به آنها می‌فرماید: عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَنْ يَرْحَمَكُمُ ۖ وَإِنْ عُذْتُمْ عُدْنَا ۚ وَجَعَلْنَا جَهَنَّمَ لِلْكَافِرِينَ حَصِيرًا. از سال ۱۹۴۵ بعد از جنگ جهانی دوم، خداوند به کفار شرق و غرب مهلت داده تا شاید راه حق و عدالت را پیش‌گیرند که متأسفانه همان راه ظلم و زور و استثمار را دنبال کرده‌اند، لذا می‌گوئیم براساس نصوص قرآنی، بعد از جنگ جهانی سوم خداوند به تمامی معنی آنها را می‌کوبد و مهلت از آنها برداشته می‌شود.

### امروز سرنوشت جهان یک سرنوشت است

سرنوشت امروز دنیا با گذشته فرق دارد، در گذشته‌ها طبقات و قطعات کره زمین از یکدیگر جدا بودند، از اوضاع و احوال یکدیگر خبر نداشتند، در گوشه‌ای

اسلام حاکمیت داشت و در گوشه‌ای مسیحیت و مذاهب دیگر، چون از یکدیگر خبر نداشتند هرکدام تکلیف و تقدیر جداگانه‌ای داشتند، ولیکن امروز تمام کره زمین به صورت یک شهر و یک روستا در آمده، همه با هم‌اند و داخل زندگی یکدیگرند، از اوضاع و احوال یکدیگر، حق یا باطل باخبرند، نیکان در نظر تمام مردم به نیکی شناخته شده‌اند، بدان هم در نظر تمام دنیا به بدی شناخته شده‌اند. امروز آمریکا و امثال او را تمام اهل عالم می‌شناسند، اسلام و مخصوصا انقلاب اسلامی ایران را تمام اهل عالم می‌شناسند، جنگ و استثمار در نظر تمام اهل عالم، شرق و غرب محکوم است، آزادی و استقلال و عدالت خواهی هم در نظر تمام اهل عالم محبوب است، در هر گوشه دنیا حادثه‌ای می‌شود، اعتراض جهانی بلند می‌شود. تمام اهل عالم دو گروهند که له و علیه آن حادثه حرف می‌زنند، هیچ کس جرات ندارد علیه یک کشور بجنگد و آن را تصرف کند. پس تمامی اهل عالم دو گروهند، دو ملتند، طرفدار عدالت و آزادی و استقلال ملتها و آن را در اسلام جستجو می‌کنند یا طرفدار ظلم و زور و استثمار و آن را در کفر جهانی و مخصوصا آمریکا جستجو می‌کنند، ظلم و تجاوز منفور همه ملتها و اسلام محبوب همه ملت‌هاست، لذا تمامی جمعیت کره زمین یک سرنوشت دارند، دو جنگ جهانی اول و دوم را دید اند و بعد از جنگ جهانی دوم این همه جنگ و اختلافات پراکنده مشاهده کرده‌اند، بر اسلامی که ۱۴۰۰ سال سابقه تاریخی دارد و کاملا به حقانیت شناخته شده آزمایش می‌شوند که آیا این دین پاک را قبول دارند و یا منکر می‌شوند، طایفه با سواد و دانشمندان از هر ملتی کاملا آن را به حقانیت شناخته‌اند. پس وظیفه دارند لاقبل با اسلام و مسلمین منازعه و مخاصمه نداشته باشند، طوایف مستضعف هم لاقبل وظیفه دارند گرایش قلبی به اسلام داشته و تا آن جا که ممکن است با مسلمین نجنگند، برادرانه باشند. مسلمانان هم لاقبل شناخته‌اند که چگونه تفرقه و اختلاف آنها را به بردگی و

اسارت کشیده است. وظیفه دارند وحدت اسلامی خود را تجدید کنند و از همکاری با غرب و شرق منصرف شوند. پس امروز همه ملت‌ها بهانه‌ای برای ترک اسلام و یا لاقل جنگ با اسلام و مسلمین ندارند، پیش وجدان خود محکومند، امروز کسی که آیات قرآنی را آیات شیطانی تبلیغ نموده در نظر همه محکوم است. پس کسی عذر و بهانه‌ای برای مخاصمه و نزاع با اسلام و مسلمین ندارد، تمامی بشریت مانند یک فرد در برابر اسلام قرار گرفته‌اند، ندای اذان اسلام که در کره زمین طنین انداز می‌شود کسی نمی‌تواند منکر آن باشد، بلکه لاقل در قلب خود همه به اسلام گرایش پیدا می‌کنند و فرج خود را از خدا می‌خواهند. پس تمام بشریت در برابر این آیه: وَ إِذَا وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ أَخْرَجْنَا لَهُمْ دَابَّةً مِّنَ الْأَرْضِ تُكَلِّمُهُمْ أَنَّ النَّاسَ كَانُوا بِآيَاتِنَا لَا يُوقِنُونَ. قرار گرفته‌اند، یعنی روزگاری که محکومیت مخالفین اسلام قطعیت پیدا کند و ملت‌های مخالف صلح و عدالت محکوم به نابودی شوند، ما انسانی را مامور می‌کنیم آنها را از این محکومیت آگاه کند و حکم قرآن و اسلام را که علاج این محکومیت است به آنها گزارش دهد ولیکن ملت‌ها مانند گذشتگان هشدارهای ما را قبول نمی‌کنند و ایمان نمی‌آورند، در نتیجه چاره‌ای جز اجرای حکم هلاکت نیست. انقلاب اسلامی به پیروی از این آیه شریفه به شما هشدار می‌دهد: قبول اسلام و صلح و عدالت اسلام، یگانه راه علاج است.

الان دنیا و ملت‌های کفر و گناه در معرض همین محکومیت الهی قرار گرفته‌اند، یا باید پناهنده به اسلام شوند که مکتب صلح و عدالت است یا این که به جنگ نابود کننده دیگری متوسل شوند که چاره‌ای جز اجرای یکی از این دو حکم نیست. زیرا با آگاهی کامل که کفر و گناه و ظلم و استثمار جز فساد و خرابی چیزی به بار نمی‌آورد به کفر و گناه خود ادامه می‌دهند. تاریخ این همه تجربه کرده است که انسان با تولیدات خود، و طبیعت با تولیدات معمول،

جوابگوی نیاز انسان نیست. انسانهای متکی به خود و تولیدات خود و طبیعت در همین وضعی که بوده و هست خواهی خواهی در مضیقه قرار می‌گیرند. انسان موجودی است که در خواست و نیاز خود نامحدود و نامتناهی است و آن چه می‌تواند تولید کند محدود و متناهی است و محدود هرگز جوابگوی نامحدود نیست. لذا انسان خواهی خواهی برای رفع نیاز، متوسل به ظلم و زور می‌شود و از این ظلم و زور، جنگ جهانی به وجود می‌آید. یک موجود نامتناهی را یک قدرت نامتناهی می‌تواند اداره کند و آن قدرت نامتناهی خداوند متعال است، لطف او از مسیر اسلام و صلح و عدالت خواهی و ترک ظلم و زور و استثمار و حرکت در خط تعاون، در اختیار انسان قرار می‌گیرد. آثار طبیعی حرکت در خط کفر و گناه و ظلم و زور، پیدایش جنگ و نزاع است که هر کافر و گناهکاری به جای این که رافع و دافع ظلم و زور باشد، ناخودآگاه عامل ظلم و زور است. پس ظهور جنگ و قتل و کشتار جمعی قابل اجتناب نیست. راه طبیعی رفع ظلم و زور و جنگ، ایمان و اسلام و صلح و صفا و عدالت خواهی و تعاون است و نتیجه طبیعی کفر و گناه، ظلم و زور و تنازع است. هرگز کفار در طول تاریخ نتوانسته‌اند دست از ظلم و زور و بردارند و صلح و عدالت به وجود آورند، بلکه همه وقت و همه جا در طول تاریخ ناخودآگاه عامل ظلم و زور و جنگ و نزاع بوده و هستند. پس پیدایش جنگ و نزاع به وسیله اکثر ملت‌های کفر و گناه قهری است. کسی نمی‌تواند مانع ظهور مسائل قهری و طبیعی باشد، انتظار صلح و عدالت از کفار مانند انتظار رحم و محبت از گرگ و پلنگ نسبت به آهوان است یا مانند انتظار ورود به مقصد از بیراهه روی است که انتظاری بیجا و غلط است، هرگز در تاریخ نمونه نداشته و ندارد. پس دنیا در انتظار جنگ جهانی سوم باشد که اجتناب ناپذیر است.

## اهل عالم بایستی به دلایل زیر در انتظار جنگ جهانی سوم باشند

۱ - تولیدات انسان و طبیعت جوابگوی نیاز و احتیاج انسان نیست، خواهی خواهی در مضیقه و بن بست زندگی قرار می‌گیرند و نتیجه این بن بست، جنگ و نزاع است.

۲ - ملتهای کفر و فاقد تمدن ایمانی و اسلامی نمی‌توانند دست از ظلم و زور و استثمار بردارند، طبیعت کفر و گناه، ظلم و زور است و طبیعت ظلم، پیدایش قتل و کشتار است.

۳ - خط حرکت کفر و گناه بن بست است به جز تولیدات مادی و طبیعت، امید به جایی ندارند و چون قائل به وجود خدا و زندگی آخرت و حساب و کتاب نیستند قتل و جنایت و ظلم و فساد برایشان آسان است. به محض اینکه در مضیقه و فشار قرار بگیرند که می‌گیرند متوسل به جنگ می‌شوند مخصوصا در برابر مستضعفین که احساس غلبه و پیروزی بر آنها دارند.

۴ - به دلیل آگاهی به مفاسد کفر و گناه و ظلم و زور و بی‌اعتنایی به دعوت پیامبران و دین خدا با این که یگانه راه نجات و صلح و عدالت است، حق ادامه حیات به تقدیر خدا از آنها سلب می‌شود، حوادث نابود کننده به دست خودشان و به اراده خدا برای آنها مقدر می‌شود زیرا بعد از پیدایش این حالات بی‌اعتنایی به دین خدا و فساد و ظلم و گناه، مهلت از آنها برداشته می‌شود، ادامه حیات آنها خلاف حکمت و مصلحت است، پس نابودی آنها مقدر و اجرا می‌شود.

از طرفی مشاهده می‌شود که این جنگ‌های تانک و توپ و یا هواپیما کارساز نیست و پیروزی نظامی وجود ندارد، ملتها همه آزادانه و آگاهانه به کشته شدن راضی‌ترند تا بردگی و اسارت. بعد از جنگ جهانی دوم این همه جنگ‌های توپ و تانکی در گوشه و کنار دنیا به وجود آمده و پیروزی برای کسی حاصل نشده، پس این جنگ سوم حتمی الوقوع جهانی، هسته‌ای خواهد بود.



مطالب تا این جا دلائل عقلی و حسابهای ریاضی جنگ سوم است، علاوه بر این‌ها، دلایل قرآنی و روایتی هم وجود دارد که جنگ هسته‌ای جهانی واقع خواهد شد و این جنگ طبق نصوص قرآن و روایات همان آتش جهنم است که به دست کفار ساخته می‌شود.

### دلایل قرآنی و روایی

اولا قرآن انسانهای کافر و منافق را به عنوان عامل پیدایش آتش جهنم معرفی می‌کند. همه جا پیدایش آتش را به کفار نسبت می‌دهد. ابتدا روزگاری را معرفی می‌کند که کفار فریفته نیروهای آتش می‌شوند و این همه سرمایه‌گذاری می‌کنند که آتش را از مکان آن استخراج نموده و از آن استفاده کنند. در سوره ذاریات آیات ۱۲ تا ۱۴ می‌فرماید: *يَسْئَلُونَ أَيَّانَ يَوْمُ الدِّينِ، يَوْمَ هُمْ عَلَى النَّارِ يُفْتَنُونَ، ذُوقُوا فِتْنَتَكُمْ هَذَا الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ تَسْتَعْجِلُونَ.* یعنی از تو می‌پرسند که روزگار حکومت دینی که آخرت است کی است و کجاست؟ در جوابشان بگو زمانی که کفار فریفته قوای آتش می‌شوند تا از آن استفاده کنند ما هم به آنها می‌گوییم (میدان می‌دهیم) که آتش را استخراج نموده و مزه آن را بچشند. این آتش‌ها که از آن در صنایع جنگی و غیر جنگی استفاده می‌کنید همان عذابی است که شما کفار بارها آن را با عجله و شتاب مطالبه می‌کردید که کجاست جهنم و کجاست عذاب کفار؟ همه جا وقتی در برابر تهدیدات انبیاء قرار می‌گرفتند که به آنها می‌گفتند دست از کفر و گناه بردارید و الا به آتش معذب می‌شوید می‌گفتند کو آتش، کو عذاب، خیال می‌کردند همین امروز که گناه کردند فردا آتش به جانشان می‌افتد، نمی‌دانستند که خدا به آنها مهلت می‌دهد، در دنیا آتش را روشن می‌کنند به جان بندگان خدا می‌اندازند و در آخرت به خودشان برمی‌گردد. شما می‌بیند قریب دو قرن است که کفار فریفته قوای آتشین شده‌اند و اسلحه‌های آتشین ساخته‌اند و انسان بیگناه و با گناه را با این

آتش‌ها سوزانیده‌اند و این که در این آیات می‌گوید در روزگار حکومت دین این آتش‌ها پیدا می‌شود یعنی آخرِ زمانِ زندگی دنیا، نزدیک به ظهور امام زمان عج، ظهور آن حضرت یوم‌الدین است که بعد از جنگ‌های هسته‌ای حتماً واقع می‌شود.

و از جمله آیاتی که جنگ هسته‌ای را نشان می‌دهد و درست تفسیر همین آیات است، آیات ۱۰ تا ۱۶ سوره دخان است که می‌فرماید: فَارْتَقِبْ يَوْمَ تَأْتِي السَّمَاءُ بِدُخَانٍ مُّبِينٍ يَغْشَى النَّاسَ هَذَا عَذَابٌ أَلِيمٌ. تا این که از قول مردم که به آن آتش معذب شده‌اند می‌گوید: رَبَّنَا اكْشِفْ عَنَّا الْعَذَابَ إِنَّا مُؤْمِنُونَ و جواب می‌دهد: إِنَّا كَاشِفُوا الْعَذَابَ قَلِيلًا إِنَّكُمْ عَائِدُونَ يَوْمَ نَبْطِشُ الْبَطْشَةَ الْكُبْرَى إِنَّا مُنْتَقِمُونَ. به پیغمبر اکرم ص خطاب می‌کند که در انتظار حکومت و دولت خود باش حکومت امام زمان عج در روزگاری که در این آسمان، دود آتش فراوان ظاهر شود که آن دود آتش، تمام مردم را فراگیرد، در این موقع که مردم در محاصره آن آتش قرار می‌گیرند، داد و فریادشان بلند می‌شود که ای خدا این عذاب آتش را از ما برطرف کن، ما ایمان آوردیم. و در آیه بعد جواب می‌دهد که روزی که حمله بزرگ جهانی خود را شروع کنیم، کم کم این عذاب را از شما برطرف می‌کنیم که شما به پناه خدا برگردید، ما از کفار انتقام می‌گیریم. بی‌شک این آتش فراگیر در همین زندگی دنیا ظاهر می‌شود که تمام مردم را فرا می‌گیرد، زیرا عذاب جهنم مخصوص کفار و مخصوص آخرت است و این آیات نشان می‌دهد که تمام مردم در محاصره آتش‌ها واقع می‌شوند و شما مشاهده می‌کنید که چگونه کره زمین در محاصره سلاح هسته‌ای قرار گرفته و این تجهیزات آن قدر سریع و قوی است که می‌گویند قدرت تخریبی آنها چند برابر قدرت لازم برای تخریب کره زمین است. آیا ظهور این آتش‌ها همان دود و آتشی نیست که در آسمان ظاهر می‌شود و بشریت را محاصره می‌کند که

خداوند می‌فرماید: تَأْتِي السَّمَاءُ بِدُخَانٍ مُّبِينٍ يَغْشَى النَّاسَ. با توجه به این که خداوند با کلمات يَصْلَى و تَصْلَى، ظهور این آتش و شعله‌ور شدن آن را به کفار نسبت می‌دهد. البته آتش از نظر خلقت به دست خداوند است که در طبیعت، آب و خاک و آتش آفریده و لیکن شعله‌ور شدن آن به دست انسان است که با پرتاب یک موشک شهری را به آتش می‌کشد، از این شعله‌ور شدن تعبیر به يَصْلَى می‌شود. چنان که در سوره‌ی اعلی می‌فرماید: وَ يَتَجَنَّبُهَا الْأَشْقَى الَّذِي يَصْلَى النَّارَ الْكُبْرَى، یعنی شقی‌ترین مردم که از دین خدا دوری می‌کند همان کسی است که آتش بزرگتر را روشن می‌کند، آتش بزرگتر همین آتش‌های هسته‌ای است که از انفجارات دیگر بزرگتر است.<sup>۲</sup> در کیفیت حکومت امام زمان عج روشن خواهد شد که چگونه این حرارت‌ها به صاحبان اصلی آن بر می‌گردد و جهنم آنها می‌شود.

و باز در سوره انفطار آیات ۱۲ و ۱۴ خداوند از این آتش‌ها و روشن شدن آن به دست کفار خبر می‌دهد و می‌فرماید: وَإِنَّ الْفُجَّارَ لَفِي جَحِيمٍ يَصْلَوْنَهَا يَوْمَ الدِّينِ وَمَا هُمْ عَنْهَا بِغَائِبِينَ. یعنی در دوران ظهور حکومت دینی یعنی در مقدمه ظهور امام زمان عج، آتش جحیم را روشن می‌کنند و خیال می‌کنند برای دیگران روشن می‌کنند با این که خودشان از آن غایب نیستند. یصلونها به معنای روشن کردن آتش است نه به معنای یدخلونها، اگر به معنای یدخلونها باشد با آیه: وَمَا هُمْ عَنْهَا بِغَائِبِينَ. سازگار نیست زیرا کسی که داخل جائی می‌شود در آن جا حاضر است. پس این آیات هم تفسیر آیات قبل است.

از همه این آیات صریح‌تر بر این که آتش‌های هسته‌ای همان جهنم است که خودشان آن را روشن می‌کنند، آیات آخر سوره همزه است که می‌فرماید: إِنَّهَا

۲ - از این جهت که از بنیادی‌ترین نیروهای موجود در طبیعت استفاده می‌کند با یافته‌های امروزی

نیز منطبق است.

عَلَيْهِمْ مُّؤَصَّدَةٌ فِي عَمَدٍ مُمَدَّدَةٍ ، یعنی این آتش که بر افروخته شد، در همان ستون‌های سر به فلک کشیده، آنها را محاصره می‌کند، عمد ممدده یعنی همین ساختمان‌های سر به فلک کشیده، که در محاصرهٔ سلاح‌های هسته‌ای قرار می‌گیرد. دولت‌های دنیا و وجوه ملت‌ها که همان سران دنیا هستند در محاصرهٔ آتش واقع می‌شوند.

نمی‌دانم چرا از چنین آیات صریحی با یک چنین مصادیق واضحی بایستی غافل بمانیم و باز بهشت و جهنم را به صورت‌های افسانه‌ای ذکر کنیم که خداوند چاله‌ای پر از قیر و نفت و هیزم می‌سازد و کفار را در آن پرت می‌کند، عذاب‌های آخرت همین‌ها هستند که در دنیا تهیه دیده‌ایم و به جان مردم انداخته‌ایم و در آخرت به خودمان بر می‌گردد. زیرا کفار چاره‌ای ندارند جز این که برای ادامهٔ ظلم و ستم و تسلط بر ضعفا، خود را مجهز و مسلح کنند و آخرین سلاحشان آتش‌های هسته‌ای است که در این زندگی، خودشان و ضعفا را آتش می‌زنند و در حکومت و عدالت حضرت قائم عج به خودشان بر می‌گردد. زیرا انسانها در قیامت با همان وضعی که مرده‌اند و دفن شده‌اند به زندگی بر می‌گردند، پیرمرد، پیرمرد زنده می‌شود و جوان، جوان، زخمی با همان زخم‌ها و مریض با همان مرض‌ها که دفن شده‌اند زنده می‌شوند، اگر مؤمن و نیکوکار باشند با شفای الهی در دارالشفاهای امام زمان عج زخم‌ها و جراحات‌ها برطرف می‌شود، به جوانی و زیبایی بر می‌گردند، امام حسین ع در حدیث رجعت خود که توام با قیام قائم است می‌فرماید: ثم لا یبقی علی وجه الارض مقعد و لا مبتلی الا و کشف الله بلائه بنا اهل البیت کتاب (بلاغه الحسین که از بحار نقل شده است) یعنی زمین‌گیر و مبتلایی در زمین باقی نمی‌ماند جز این که خداوند بلا و مرض او را به برکت ما اهل بیت برطرف می‌کند، در همین حدیث به اصحاب خود می‌فرماید: گویا می‌بینم که فرشتگان شما را از قبر خارج می‌کنند، گرد و

غبار از صورتتان می‌زدایند و شما را به همسران بهشتی می‌رسانند. و حضرت ورود اصحاب خود را به بهشت توأم با قیام قائم می‌داند.

در حکومت امام عج انسانهای مظلوم قدرت پیدا می‌کنند با ارادهٔ اعجازی و کن فیکونی، آثار ظلم و ستم وجود خود را چه از نوع جراحت باشد و یا زجر و کتک و یا حرارت آتش به بدن ظالم خود منتقل کنند. یک مؤمن مظلوم که در شرایط هزار درجه حرارت مرده باشد با همان حرارت در حکومت امام زمان عج زنده می‌شود، هزار درجه حرارت بدن خود را به بدن قاتلِ ظالمِ خود منتقل می‌کند، خودش سرد و سلامت می‌شود و قاتلش در هزار درجه حرارت قرار می‌گیرد، جهنم در وجود کفار متمرکز می‌شود مانند حرارت تب، نه این که چاله‌ای پر از قیر و نفت بسازند و کفار را در آن حبس کنند.

پس شما ای ابرقدرتهای کفر و گناه بدانید که مشرف به جهنم خود شده‌اید. یعنی آتش‌های هسته‌ای که خواهی نخواهی امروز یا فردا بر طبق نصوص قرآنی آن را روشن خواهید کرد و دنیا را آتش خواهید زد، همان آتش‌ها به خودتان بر می‌گردد. راه علاج و برکناری از این آتش فقط به این است که همه مسلمان شوید، دعوت اسلام و قرآن را که ۱۴۰۰ سال است مانند خورشید در افکار می‌درخشد قبول کنید، دست از کفر و گناه و ظلم و ستم بردارید، همه ندای حضرت خاتم ص که مردم را صدا زدند و فرمودند: قولوا لا اله الا الله تفلحوا را اجابت کنید مثل این است که الان شما را دعوت به اسلام و قرآن می‌کند فقط اسلام و قبول قرآن راه صلح و صفا و عدالت است. از ابتدای تاریخ همه انبیاء و اولیاء، نوح، ابراهیم، موسی و عیسی و حضرت خاتم شما را دعوت به راه ایمان و اسلام کردند و ایمان به خدا را یگانه وسیله صلح و صفا و آرامش دانستند، شما قبول نکردید و به کفر و گناه و ظلم و ستم خود ادامه دادید، این همه کشتید، سوزانید، خراب کردید تا این که خود را مجهز به این اسلحه‌های خطرناک

نمودید که خود و بشریت را در معرض نابودی قرار داده‌اید، سطح کره زمین و فضا و دریای آن را به فساد و تباهی کشیده‌اید تا به این پایه رسیده‌اید که ممکن است یک نفر دیوانه از شما دنیا را به خاک و خون بکشد و خواهد کشید. راه علاج ظلم و ستم و قتل و جنگ در این زمان همان راه علاج تاریخ است که به وسیله پیغمبران الهی شروع شده. خط کفر و ظلم و ستم این آتش‌ها را به وجود آورده، راه ایمان و اسلام آن را خاموش می‌کند و جای ظلم و فساد، صلح و صلاح و عدالت به وجود می‌آورد. هرگز کافر، صالح و مصلح نبوده و نخواهد بود و هرگز مؤمن، فاسد و مفسد نبوده و نخواهد بود. اگر دوست دارید بشریت را از این خطر بزرگ و نابود کننده نجات دهید همه ملت‌ها و دولت‌ها یک صدا اسلام بیاورید، حکم قرآن را خودتان در مملکت خودتان پیاده کنید. این توپ و تانکها و اسلحه‌های آتشین خطرناک را نابود کنید، برای ایجاد نظم و عدالت، شمشیر و شلاق کفایت می‌کند چه برسد که اگر ظلم و ستم نباشد شمشیر و شلاق هم لازم نیست. در این صورت خدا در قرآن وعده می‌دهد که برکات فراوان خود را بر شما نازل می‌کند. چنان که در سوره اعراف می‌فرماید: وَ لَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَى آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ وَ لَكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ. اگر مردم ایمان به خدا بیاورند و از ظلم و گناه بپرهیزند، ما درهای خیر و برکت را از آسمان و زمین به روی آنها می‌گشاییم ولیکن اکثریت، دین خدا را تکذیب می‌کنند. خودرای و خودمختار کار می‌کنند. بر ما که خدا هستیم واجب می‌شود نتیجه کار و کسب‌شان را که همین آتش‌هاست به خودشان برگردانیم. پس راه علاج و جلوگیری از این خطر بزرگ، فقط اسلام و ایمان است. هرگز شما ابرقدرت‌ها نمی‌توانید با تشکیل مجالس و کنفرانس‌ها این خطر بزرگ را از خودتان و دنیا برطرف کنید، چنان که نتوانسته‌اید. لااقل نمی‌توانید در یک شهر یا روستا صلح و عدالت به وجود آورید. کفر، شما را

مجبور به ظلم و ستم و جنگ می‌کند چنان که اسلام و ایمان شما را مجبور به صلح و عدالت می‌نماید. فَمَا ذَا بَعْدَ الْحَقِّ إِلَّا الضَّلَالُ. (یونس)

اگر در این جا بپرسید اگر ایمان به خدا نیاوردیم و به کفر خود ادامه دادیم چه می‌شود؟ در جواب شما می‌گوئیم: یگانه عامل صلح و صفا و عدالت فقط ایمان و اسلام است. خداوند در سوره بقره آیه ۶۲ می‌فرماید: به شناسنامه‌ها کار نداریم که یهودی‌اند یا مسیحی یا مسلمان، هرکس این سه اصل را حاکم بر خود و زندگی خود کند ترسی و غم و غصه‌ای نداشته باشد. اصل اول ایمان به خدا به همان کیفیتی که در اسلام و قرآن تعریف شده، اصل دوم ایمان به زندگی آخرت که نگویند زندگی با مرگ خاتمه پیدا می‌کند بلکه تا ابد ادامه دارد. اصل سوم عمل صالح، یعنی اعمال و صنایع همه جا صالح و نافع به حال خود و دیگران باشد.<sup>۳</sup> تمامی ملتها این سه اصل را حاکم بر خود کنند و مکتبی را پرورش دهند که اصول سه‌گانه بالا را چنان که هست و لازم است به رهبری امامهای معصوم ع کاملاً روشن می‌کند. ملتها اگر اصول سه‌گانه بالا را بپذیرند، اول کاری که لازم است انجام دهند این است که اسلحه‌ها و کارخانه‌های اسلحه سازی را نابود کنند و تمام صنایع و تولیداتشان در خدمت بشریت و نافع به حال آنها باشد. ممکن است شما بگوئید این کار نشده و نمی‌شود، انتظار این کار از بشریت مثل این است که از آتش، رفع حرارت و تشنگی بطلبیم و از کوه‌های یخ حرارت جویا شویم، ما می‌گوئیم اگر کفار و ستمکاران روش ظلم و زور و کفر و گناه را تغییر ندهند، پیدایش جنگ جهانی چنان که قرآن خبر می‌دهد حتمی است. زیرا پیدایش جنگ خاصیت طبیعی و قهری ظلم و زور و کفر و گناه است. تقدیر خداوند متعال هم بر این جاری است که شجره کفر و ظلم را ریشه کن کند، کره

<sup>۳</sup> - إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالنَّصَارَى وَالصَّابِئِينَ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ

زمین را به افراد مؤمن و صالح و متقی بسپارد، دنیا را پر از صلح و صفا و عدالت کند چنان که فرموده است: **وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ** (انبیاء - ۱۰۵). برای قطع شجره کفر و گناه، جنگ سوم حتمی الوقوع است، چنان که در بالا گفته شد، قرآن از جنگ سوم هسته‌ای خبر می‌دهد.

خداوند در سوره قارعه از سه جنگ خبر می‌دهد: **الْقَارِعَةُ مَا الْقَارِعَةُ وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْقَارِعَةُ**. قارعه به معنای جنگ‌های کوبنده است. چنان که در سوره رعد آیه ۳۱ می‌فرماید: **لَا يَزَالُ الَّذِينَ كَفَرُوا تُصِيبُهُمْ بِمَا صَنَعُوا قَارِعَةٌ أَوْ تَحُلُّ قَرِيبًا مِنْ دَارِهِمْ حَتَّى يَأْتِيَ وَعْدُ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُخْلِفُ الْمِيعَادَ**. یعنی همیشه کفار با صنایع خود در معرض جنگ‌های کوبنده قرار می‌گیرند که خانه‌های آنها را سرشان خراب می‌کند و این جنگ‌های کوبنده ادامه دارد تا این که وعده خدا برسد. وعده خدا همه جا تفسیر به قیام امام زمان عج شده است. آن حضرت وعده خدا و موعود است. تکرار القارعه در سوره قارعه به معنای تکرار سه جنگ است. جنگ اول و دوم و سوم، در قارعه سوم که جنگ سوم است می‌فرماید: **پشم ابر قدرتها زده می‌شود**<sup>۴</sup> (جبال تاویل به ابر قدرتها شده است). تا این ابر قدرتها از سر راه برداشته نشوند زمینه ظهور فراهم نمی‌شود. در جنگ سوم هسته‌ای ابر قدرتها کوبیده می‌شوند و مردم مانند پروانه‌ها که شمعشان خاموش شده باشد پراکنده و بی سرپرست می‌شوند.<sup>۵</sup> در تعریف این جنگ سوم است که روایتها می‌گویند یک سوم کشته می‌شوند و یک سوم می‌میرند و یک سوم دیگر در سخت‌ترین شرایط زندگی قرار می‌گیرند. حدیث دیگر به همین مضمون می‌گوید دو سوم دنیا کشته می‌شوند یا می‌میرند. این حدیث، تفسیر آیه قرآن

۴ - وَ تَكُونُ الْجِبَالُ كَالْعِهْنِ الْمَنْفُوشِ

۵ - يَوْمَ يَكُونُ النَّاسُ كَالْفَرَاشِ الْمَبْثُوثِ



در سوره بنی اسرائیل است که می‌فرماید: **وَإِنْ مِنْ قَرْيَةٍ إِلَّا نَحْنُ مُهْلِكُوهَا قَبْلَ يَوْمِ الْقِيَامَةِ أَوْ مُعَذِّبُوهَا عَذَابًا شَدِيدًا كَانَ ذَلِكَ فِي الْكِتَابِ مَسْطُورًا.** یعنی هیچ شهر و دهی پیش از ظهور قیامت نیست مگر این که ما آن شهر و روستا را هلاک می‌کنیم یا به سخت‌ترین عذاب مبتلا می‌نمائیم، این تقدیر الهی در کتاب ثبت است. این آیه هم خبر می‌دهد که جمعیت کره زمین یا هلاک می‌شوند یا به سخت‌ترین عذاب مبتلایند. البته این جمله قبل یوم القیامه در آیه، قیام امام زمان عج است. در آن قیامت مشهور و معروف، می‌گویند تمام موجودات می‌میرند (تبعیض در مرگ معنا ندارد) و دیگر این که مرگ قبل یوم القیامه غیر از مرگ عمومی از ابتدای تاریخ است، زیرا آن مرگ عمومی، اختصاصی به قبل یوم القیامه ندارد. پس هلاکت شهر و روستاها قبل یوم القیامه، همین جنگ سوم است که پیش از قیام امام زمان عج واقع می‌شود. کشتارهای آنی و دسته جمعی با بمبهای هسته‌ای است، جنگ توپ و تانک، یک چنین توسعه‌ای ندارد که دو سوم جمعیت عالم را هلاک کند، بلکه جنگ هسته‌ای است که دو عدد آن در هیروشیما و ناگازاکی ژاپن ظرف یک ساعت دویست و هفتاد هزار نفر را نابود کرد و بمبهای هسته‌ای زمان ما خیلی پیشرفته‌تر است. عجیب این است که می‌گویند کل کره زمین را نابود می‌کند. گفته‌اند آمریکا در اعماق اقیانوس شهری می‌سازد که در صورت بروز جنگ هسته‌ای به آن جا پناه ببرد. البته احساس می‌کند که روی زمین امنیت ندارد. ببینید چقدر آیات و احادیث با این جنگ هسته‌ای مطابقت کامل دارد. پس این جنگ هسته‌ای حتماً واقع خواهد شد و اهل زمین در زمان ما چنین سرنوشتی خواهند داشت. چاره‌ای جز وقوع آن نیست مگر این که مردم دنیا یک صدا و یکنواخت پناهنده به اسلام و ایمان شوند تا بر طبق آیه: **وَأَوْ أَنَّهُمْ آمَنُوا وَآتَقَوْا** (بقره - ۱۰۳) با آنها رفتار شود.

و باز در این جا سؤال کنید که بعد از نابودی دو سوم اهل عالم و متلاشی شدن ابرقدرتها، زندگی چه خواهد شد؟ شما چه می‌گوئید و چگونه قضاوت می‌کنید؟ جواب این است که همیشه زندگی و طبیعت در تحول و تکامل است، شما زندگی و مردم زمان خود را با زندگی عصر حجر و یا دوران حضرت موسی و عیسی ع و حضرت خاتم ص مقایسه کنید. هر حادثه‌ای که واقع شده و وضع موجود زمان را تغییر داده، وضع بعد از آن و مردم بعد، قدمی یا چند قدمی پیشرفته‌تر از ماقبل بودند. در همین قرن نوزده، جنگ اول جهانی و مردم معاصر آن با جنگ دوم جهانی و مردم معاصر آن فرق دارند. جامعه معاصر جنگ دوم همه علیه جنگ قیام کردند، سازمان ملل بوجود آوردند، همه جا متجاوز را محکوم کردند. اگر متجاوز و جنگ‌افروز زیاد بوده و هستند ولیکن در نظر همه محکومند، همان سرباز متجاوز که می‌جنگد خود را محکوم می‌داند. پس وضع دنیا و مردم بعد از جنگ دوم جهانی از جنگ اول بهتر است. همین الان همه داد می‌زنند باید اسلحه‌ها نابود شود، باید موشک‌های هسته‌ای نباشد. پس مردم زمان آینده بهتر از گذشته فکر می‌کنند. مردمی که الان پیش از جنگ سوم داد می‌زنند که باید جنگ نباشد، اسلحه نباشد. بعد از این جنگ لعنتی که کره زمین را به خون و آتش می‌کشد، بیشتر از این جنگ متنفر خواهند شد. مردم دردها را می‌فهمند ولی نمی‌دانند که علاج دردها به دست خداست نه به دست بشر.

همین الان و در قرون گذشته خدا فرموده است که صلح و عدالت و صلاح و سعادت شما در ایمان و تقواست. کفر و گناه و ظلم و ستم عامل افروزنده جنگ و آتش است ولیکن مردم می‌خواهند با عامل آتش زا، آتش را خاموش کنند. بنزین و نفت را روی آتش می‌ریزند تا آتش را خاموش کنند، شعله‌ورتر می‌شود. کفر و گناه و ظلم و ستم، عامل آتش افروز جنگ است که با کفر و گناه رفع

نمی‌شود بلکه با ایمان و تقوا رفع می‌شود، ولی کفار با اسلحه هسته‌ای می‌خواهند اسلحه‌ها را از بین ببرند. می‌گویند بمب هسته‌ای می‌سازیم برای مقاصد صلح آمیز، یعنی بنزین روی آتش می‌ریزیم برای خاموش کردن آتش. قوانین قرآنی و الهی مانند قواعد طبیعت است، از اول کامل است، قابل تغییر نیست. هر کس ضد جنگ و طالب صلح است بایستی ایمان به خدا بیاورد و در خدمت بشریت باشد نه در خط خیانت. اداره بشر به دست خداست نه به دست خودشان که می‌فرماید: وَ رَبِّكَ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَ يَخْتَارُ (قصص). موجود نامتناهی یعنی انسان، محتاج به یک قدرت نامتناهی است. اقیانوس است که دریاچه‌ها را پر می‌کند نه جوی‌ها و نهرها یا برف و باران‌ها، اقیانوس را. پس می‌گوئیم ای بشر! اگر دوست داری از این جهنمی که به دست خود ساخته‌ای نجات پیدا کنی، خط کفر و گناه و ظلم و ستم را رها کن. بیا به خط ایمان و تعاون نه کفر و تنازع. پس جنگ جهانی سوم و جنگ هسته‌ای حتماً واقع می‌شود و چاره‌ای جز آن نیست. دو سوم جمعیت دنیا در این جنگ هلاک خواهند شد.

از بزرگترین خصایص فکر بشر بعد از جنگ جهانی سوم این است که حکومت انسان بر انسان و ادامه وضع گذشته از حکومتها و صنایع، در افکار مردم لغویت پیدا می‌کند. همه خواهند دانست که ادامه وضع گذشته کارساز نیست. همه کس از طوایف مختلف، عالم و جاهل، دینی و غیر دینی، قاصر و مقصر، آمده‌اند و امتحان خود را داده‌اند، کاری برای اصلاح عالم از پیش نبرده‌اند. مؤمن قاصر بیشتر از این نتوانسته است، کافر مقصر هم بدتر کرده است. پس بعد از جنگ سوم جهانی این فریاد کارساز است که خداوند در سوره دخان از زبان مردم می‌گوید: رَبَّنَا اكْشِفْ عَنَّا الْعَذَابَ إِنَّا مُؤْمِنُونَ. خدایا ایمان آوردیم عذاب را برطرف کن. خدا جواب می‌دهد: إِنَّا كَاشِفُو الْعَذَابِ قَلِيلًا إِنَّكُمْ عَائِدُونَ يَوْمَ نَبْطِشُ الْبَطْشَةَ الْكُبْرَى إِنَّا مُنتَقِمُونَ. یعنی به این زودی با حمله بزرگ جهانی خود این

بلای جهانی را از شما برطرف می‌کنیم و آن حمله بزرگ جهانی، قیام امام زمان عج است. بعد از جنگ جهانی سوم، همه مردم علاج درد را در این می‌دانند که دست به دعا بردارند، داد بزنند و خدا به دادشان برسد. همه خواهند فهمید که حکومت انسان بر انسان کارساز نیست. حکومت خدا بر انسان کارساز است. همه از خدا می‌خواهند به دادشان برسد. می‌گویند خدایا عذاب را از ما بردار.

باز در این جا ممکن است شما سؤال کنید که حکومت امام زمان عج هم حکومت انسان بر انسان است. ایشان یک نفر هستند که مانند سایر انسانها کار می‌کنند، بازهم جنگ انسان با انسان و تکرار زمانهای گذشته است. گر چه ممکن است ایشان پیروز شوند ولی باز انسانها بر هم حکومت می‌کنند. شاید مصیبت‌ها سر جایش باشد، چگونه علاج می‌شود؟

جواب این است که اشتباه مردم در این است که حکومت آن حضرت را حکومت انسان بر انسان می‌دانند در حالی که آن حکومت، حکومت خدا بر انسان است. این امامهای معصوم با بقیه مردم فرق دارند، سایر مردم اگر چه ممکن است مؤمن و متقی باشند ولی قابل قیاس با امام معصوم نیستند. امام معصوم مستقیماً اسباب و ابزار دست خداوند متعال است. او در اراده و علم خدا مستغرق است. علم او علم خداست، قدرت او قدرت خداست، صنعت او و سیاست او صنعت و سیاست خداست، اراده او اراده خداست. همان اراده کن فیکونی. اشتباه او اشتباه خداست و خدا اشتباه ندارد. ضعف او ضعف خداست و خدا ضعف ندارد. آن چه می‌توانید از خدا انتظار داشته باشید از او می‌توانید انتظار داشته باشید، خدا محیط به ظاهر و باطن عالم و آدم است آن حضرت هم همین طور. خدا ولایت تکوینی دارد، یعنی کل کائنات و ذرات در اطاعت او هستند، کوه و دریا و صحرا و حیوانات فرمان او را اجرا می‌کنند. به آبهای دریا دستور می‌دهد کنار بروید موسی و اقوام او عبور کنند. آب دریا کنار می‌رود. به

آتش نمرود دستور می‌دهد ابراهیم را نسوزانی، نمی‌سوزاند. به نهنگ دریا دستور می‌دهد یونس را بلع کن اما او را نخوری، هضم نکنی، امانت من است او را در شکم خود زندانی کن، نهنگ او را زندانی می‌کند. روز دیگر به نهنگ دریا می‌گوید یونس را در ساحل دریا (نه داخل دریا) رها کن، رها می‌کند. این ولایت تکوینی است. همین ولایت و قدرت در اختیار امامهای معصوم و مخصوصا در اختیار امام زمان عج است. کوه و دریا در اختیار آن حضرت و به فرمان اوست. اولاً خدا اوضاع عالم و کائنات را تغییر می‌دهد. گردش زمین به امر او از شرق به غرب عوض می‌شود. خورشید از مغرب طلوع می‌کند. جاذبه زمین و کرات به دست اوست. میلیونها انسان را به فضا حرکت می‌دهد، با سرعت فوق سرعت نور آنها را به میان ستارگان می‌برد. هنگام حرکت به فضا منادی ندا می‌کند: الا لا یحملن احدکم معه ماء و لا غذا فان معه عصاء موسی و حجره، یعنی ای کسانی که دوست دارید با امام به سفر فضا بروید، کسی با خودش آب و غذا و توشه مسافرت بر ندارد، زیرا عصای موسی و سنگ چشمه جوشان موسی به دست اوست. هر جا بروید آب و غذا حاضر است، اعجاز موسی و عیسی به دست اوست او به تنهایی همه کس و همه چیز است، هر چه از خدا انتظار دارید از او انتظار داشته باشید. کار و کاسبی انسانها در زمان او تعطیل می‌شود کار و کاسبی خدا دایر می‌شود، شیر و عسل و آب و تمامی غذاها و مایحتاج مردم به اراده او مانند نهر در جریان است پای یک درخت می‌نشینند هر چه بخواهی آن درخت در اختیارت قرار می‌دهد، بالاخره حکومت او حکومت خداست و قدرت او قدرت خداست. به انسانهایی که داخل قبر خوابیده‌اند فرمان می‌دهد حرکت کنید، حرکت می‌کنند و وارد زندگی می‌شوند. آن حضرت اگر چه انسان است و بنده خداست ولیکن از نظر اعمال قدرت و سایر آثار وجودی مانند خداست. پس قیام او قیام خدا و حکومت او حکومت خدا و قدرت او قدرت خداست. از نظر آثار

وجودی و عملی مانند خدا شناخته می‌شود. همان طور که این ۱۴ نفر معصوم دین کامل خدا را به وجود آوردند، همان طور که خدا در حکومت و قدرت خود، محیط به همه کائنات است آنها نیز محیط به همه کائناتند. پس آن حضرت را با خدا مقایسه و مقابله کنید نه با خلق خدا.

فرض کنید آن حضرت بعد از جنگ سوم هسته‌ای یک دنیای سوخته و نیم سوخته تحویل می‌گیرد. چگونه اداره می‌کند؟ آن همه مریض و سوخته و فلج و کور و کر. جنگی که دو سوم جمعیت دنیا را نابود می‌کند، زنده‌ها را در چه وضعیتی قرار می‌دهد؟ آیا او باز دوا و داروسازی راه می‌اندازد؟ مگر با دوا و دارو عوارض این جنگ برطرف می‌شود؟ آیا دو مرتبه کارخانه‌های اسلحه سازی و ماشین سازی را راه می‌اندازد و دو مرتبه مهندسی هسته‌ای و ویرانگر دنیا را استخدام می‌کند و دود دلخ کارخانه‌ها را راه می‌اندازد و این زندگی که مردم را خسته کرده است و منفجر شده‌اند دو مرتبه تکرار می‌کند یا مردم را به شمشیر و شلاق و سنگ و فلاخن عصر حجر بر می‌گرداند؟ اگر چنین است بگو نیاید، زیرا مردم از این زندگی ماشینی خسته شده‌اند، منفجر شده‌اند، صحرا و دریا را به فساد کشانیده‌اند، محیط زیست و شرایط زیست را نابود کرده‌اند. اگر قیام او تکرار همین زندگی است قیام نکند بهتر است و یا اگر می‌خواهد مردم را به قهقرا برگرداند و به عصر حجر و سنگ و فلاخن ببرد بگو نیاید.

آن چطور فرجی است که از طریق تکرار گذشته‌ها حاصل می‌شود؟ یا همان مردمی که جهنم را ساخته‌اند دو مرتبه برای جهنم سازی استخدام کند. پس یدالله فوق ایدیهم کجا رفته است؟ او به محض ظهور، یک تحول تکاملی به وجود می‌آورد نه تکرار زندگی قبلی و نه هم قهقرا، لذا می‌گوییم زندگی را به صورت اعجازی اداره می‌کند نه به صورت ماشینی. پس آن چه در عظمت این بزرگوار می‌گوییم قبول کن، آن حضرت را در وضع گذشته‌ها و موجودی‌ها به حساب

نیاور. بدبختی تاریخ از این جا شروع شد که خود را با اولیاء خدا و اولیاء خدا را با خود قیاس کردند، مجسمه‌های گلی را جای خدا و دزد و دغل‌ها را جای انبیاء نشانده‌اند. آن حضرت در زمانی قیام می‌کند که این زندگی به کلی از دست مردم خارج می‌شود، چنان که خدا می‌فرماید: *يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا* (روم آیات ۱۹ و ۵۰، حدید آیه ۱۷)، زندگی می‌میرد نه زمین و مردم، پیرمرد عاجزی که لقمه‌ای یا شربتی از آب و غذا نمی‌تواند استفاده کند پیش از مرگ مرده است، مرگ زندگی غیر از مرگ مردم است. کسی که خانه و زندگی را سر او کوبیده‌اند و او را آواره نموده‌اند، زندگی‌اش مرده است گرچه خودش زنده و آواره باشد. جنگ سوم هسته‌ای، زندگی مردم را می‌کشد گرچه بعضی زنده باشند. چنان که خدا فرمود پیش از ظهور یا هلاک می‌شوند یا سخت در عذاب قرار می‌گیرند. پس این جنگ سوم زندگی را می‌کشد گرچه بعضی زنده باشند و آن بزرگوار زندگی را زنده می‌کند. او نمی‌آید سر کوچه بایستد و داد بزند که ای مردم من امام زمان هستم. یکی قبول کند یکی رد نماید. او با یک سخنرانی کره زمین را فتح می‌کند. وقتی که خود را معرفی می‌کند، هرکس هر جا باشد او را در یک قدمی خود می‌بیند و سخنرانی او را به زبان خودش می‌شنود بدون این که صدا و سیمایی در کار باشد. همان طور که سخنرانی او در یک آن به همه جا می‌رسد قدرتش هم در یک آن به همه کس و همه چیز احاطه دارد. هر کاری را که ابر قدرتها با صدا و سیما و مخابرات انجام می‌دهند او با اراده قاهره الهی و اعجازی انجام می‌دهد. پس با یک سخنرانی دنیا در قبضه تصرف اوست. دانشجویان زمان آن حضرت صنایع اعجازی یاد می‌گیرند و صنعت الهی جای صنایع بشری را می‌گیرد. امام باقر ع طبق حدیثی در کتاب تحف العقول در تفسیر آیه: *حَتَّى تَصَعَ الْحَرْبُ أَوْزَارَهَا* (محمد) می‌فرماید: به محض ظهور او جنگ تعطیل می‌شود و تمام اهل عالم یک صدا داد می‌زنند *آمنا آمنا* و لیکن آن حضرت ایمان هرکس

را قبول نمی‌کند مگر ایمان پیش از ظهور را. باید چه وضعی به وجود آید که تمام اهل عالم یک صدا و در یک زمان آمانا آمانا بگویند و آن حضرت ایمان واقعی را قبول کند؟ به این صورت است که آن حضرت خودش و قدرتش در یک جا حاضر باشد. کسی که به تمام معنی بر انسان محیط و مسلط است چرا او را بکشد؟ کشتن دلیل عجز و عدم تسلط است. او صاحب قدرت الهی است. کل بشریت در قبضه تصرف اوست، احتیاج به کشتن ندارد. لذا امام باقر ع می‌فرماید به محض ظهور او جنگ تعطیل می‌شود و اهل عالم تمام تسلیم‌اند. بعد آن حضرت براساس عدم قبول توبه و قبول ایمان قبلی بشریت را تصفیه می‌کند. ایمان واقعی را قبول می‌کند نه ایمان ظاهری را. براساس این آیه کار می‌کند که خدا می‌فرماید: لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيمَانُهَا لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيمَانِهَا خَيْرًا (انعام) ایمان این است که انسان تسلیم حق شود نه تسلیم قدرت، وقتی آن حضرت با قدرت قاهره الهی ظاهر می‌شود، اکثریت مردم اجباراً تسلیم می‌شوند نه این که ایمان می‌آورند. همه جا روایات می‌گوید: یسد باب التوبه. یعنی در توبه بسته می‌شود. زیرا تسلیم به قدرت غیر از توبه است. توبه ابی سفیانی که تسلیم قدرت پیغمبر می‌شود توبه به حساب نمی‌آید. لذا مردم زمان یا تسلیم‌اند که کاری از دستشان نمی‌آید یا مؤمنند و در اطاعت آن حضرت. آنها که با ایمان قبلی پذیرفته می‌شوند در بینهایت موفقیت قرار می‌گیرند و آنهایی که مؤمن نبوده، تسلیم‌اند و در صفر زندگی واقع می‌شوند. حدیث می‌گوید: یخرج ایدیهم صفرا یا می‌گویند: این مستاصل اهل النفاق و التضلیل. پس اهل نفاق و تضلیل تسلیم و بیچاره‌اند، لقمه نان و شربت آبی در اختیارشان نیست. محروم و معذبند و از مرگ خبری نیست. پس او به محض ظهور با تصفیة عجیب الهی یک مدینه فاضله از انسانهای مؤمن خالص به وجود می‌آورد. شهری که میلیونها انسان با هم زندگی می‌کنند و یک نفر پلیس و پاسبان هم وجود



ندارد. تمام وابستگان خود را به دعای مستجاب و به اراده کن فیکونی مجهز می‌کند که هرکس هرچه را بخواهد فوری می‌شود. مال و ثروت و قدرت و امکانات، مانند آب دریا در اختیار مردم قرار می‌گیرد، تمامی وعده‌هایی که خدا در قرآن گفته به برکت و اراده آن حضرت برای تمامی مؤمنین فراهم می‌شود. مردگان را زنده می‌کند. مرگ و مرض و قتل و کشتار را از بین می‌برد. او به علم و قدرت الهی خود چشمه آب حیات است او فرج است او رحمت و اسعه الهی و برکت است. پس ای مردم دنیا اگر دوست دارید از برکات وجودی او استفاده کنید همین الان پیش از ظهور ایمان به خدا بیاورید. اسلام و قرآن را قبول کنید دست از ظلم و ستم و قتل و کشتار بردارید والا بعد از ظهور، توبه شما قبول نیست و تمامی عذاب‌هایی که در تاریخ به جان مردم انداخته‌اید از مردم به خودتان بر می‌گردد به اضافه عذاب‌هایی که خود را به آن معذب نموده‌اید. شما حرارت آتش‌هایی که در جنگ اول و دوم و جنگ سوم هسته‌ای به وجود می‌آورند در فکر خود حاضر کنید آیا کمتر از جهنمی است که خدا در قرآن وصف می‌کند؟ تمامی این عذاب‌ها که در جان ضعفا و مظلومین ثبت است به اراده ضعفا و مظلومین به ظالمین بر می‌گردد. ببینید در جنگ ۸ ساله بین ایران و عراق چقدر آتش مصرف شده، همه این آتش‌ها از وجود شهدای مظلوم به آتش افروزان بعثی و پشتیبانان آنها برمی‌گردد. این حرارتها به اراده شهدا در وجود قاتلها متمرکز می‌شود و تا ابد می‌ماند. نه رابطه‌ای با خدا دارند که این آتش را علاج کند و نه هم در اثر کفر و گناه مستحق رحمت‌اند که خدا به آنها رحم کند. پس بیایید پیش از وقوع این جنگ هسته‌ای توبه کنید، به خدا پناهنده شوید. شاید توبه شما را بپذیرد. *إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعاً* (زمر). توبه شما در ظهور آن حضرت توبه نیست که قبول شود. توبه از روی ترس و عجز یا از روی طمع، تسلیم است نه توبه. توبه این است که مرض کفر و گناه را

بشناسی، دکتر این مرض را که خداوند متعال است بشناسی و بعد برای نجات از این مرض به دکتر حقیقی آن مراجعه کنی. پس الان توبه کن تا به نور ایمان مرض کفر تو را علاج کند.

ای عالم! ای عوام! ای دانش‌آموز و ای دانشجو! ای دکتر و ای پروفیسور! ای فقرا و اغنیایی که هنوز مانند انسانهای عصر حجر و مانند عوام الناس دوره نوح پیامبر، دین خدا را به مسخره گرفته‌اید و این همه آیات روشن خدا را نادیده می‌گیرید. بدانید که سرنوشت شما همین است که یادآوری شد. وعده خدا نزدیک است. *فَأَنْتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنتَظِرِينَ* اعراف، (یونس).

والسلام علیکم و رحمہ اللہ  
محمد علی صالح غفاری